

متن پرسش

سلام استاد: برام مهم نیست کسانی که بیرون از حرم جمهوری اسلامی هستن چیکار می‌کنند، که البته قطعا در حال برنامه ریختن یا دشمنی ورزیدن علیه این حال خوش ما هستند. امشب الله اکبرم را جوری نگفتم که انگار همه ملت از شرایط اقتصادی خسته شده اند و میانشان با الله اکبر من کاری ساخته است. الله اکبر را از روی حال خوشم در حرم گفتم، از روی این گفتم که آمریکا هیچ است. نه که تازه برای من انقلابی مسئله شود وضعیت کنونی، باید دانست و فقط این را دانست که ما انقلابی هستیم و نیازی نیست که تعریف کنیم. اگر در مدرسه ما حرف پولدار بودن به معنای خوشبخت شدن در این حد زیاد است، یعنی غرب با رسانه اش به صورت نرم رخنه کرده است و اخلاص بوجود آورده است در نظم فکری و سنتی ما برای روزی و رزق حلال. من حالا که دارم فکر می‌کنم کلا اگر جایی حالم خراب شد چون حرف پول آمد وسط به معنی امروزی اش که بعضی ها از نان خوردن سوء استفاده می‌کنند و همان را سدی بزرگ در برابر کار قرار می‌دهند. در این جلسه ۹ کتاب «انسان و باز انسان» شما چه خوب فرمودید که در جهان غربی که برای ما وضع شده است دکنتر و مهندس ناجیان مملکت اند و در همین رابطه ما در اقتصاد هم مشکل می‌بینیم، که دانش بنیان توسط حضرت آقا مطرح شده است و امروزه چشم بسیاری از همه ی ما به آن دوخته شده است و باز هم این مسئله شده است که چرا جوانان و نیروی اصلی مملکت را این گونه به معنای مدرک گرفتن متوقف و یخ زده شده و می‌شوند و باید دانست که بهانه بسیار است برای جلوگیری از راه اندازی مسئله تحصیل، مثلا امورات اداری و بودجه و... من با فکری که در طی این چند وقت داشته ام، می‌گویم که ما نیاز به دارالفنون امیر کبیر داریم، به معنای واقعی کلمه هم تئوری مزخرف است و هم هنر. ما باید چه در هنرستان و چه در دبیرستان و چه در دانشگاه توانایی حل مسئله را پیدا کنیم و آن را بیاموزیم و همین جا بگویم که نه با مسائل فانتزی بلکه طوری که میانه آتشیم. به نظرم هیچ وقت نباید سخن آقا را فراموش کنیم که فرمودند: «آن چیزی که مشکلات را برطرف می‌کند، عامل داخلی است.» بنده از شما سوال می‌کنم که چه بلایی سر خواستن و نخواستن آمده است در مدرسه ما؟ در ادامه هم باید در پی شخصیت هایی مثل میرزا محمدتقی‌خان فراهانی باشم و باشیم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور است که می‌فرمایید. خوشا به حال ملتی که با درک حضور تاریخی خود، مسئله‌های خود را می‌شناسد و مسئله‌های دیگر انسان‌ها بخصوص انسان‌های گرفتار

توهم را مسئله خود نمی‌داند. در این رابطه و با نظر به افقی که در این تاریخ در پیش رو داریم؛ باید متوجه باشیم انقلاب اسلامی امری نیست که همچون حادثه‌ای که در تاریخ می‌آید و می‌رود؛ برود ولی این امکان در آن هست که عده‌ای آن را رها کنند که در واقع انقلاب آن‌ها را رها کرده تا خود را بدون مزاحمت چنین افرادی ادامه دهد از آن جهت که آن‌ها نمی‌توانستند ادامه دهنده انقلاب باشند و این یعنی این افراد با هر سابقه‌ای که داشته باشند دیگر ذیل اراده الهی نیستند تا متوجه آینده‌ای باشند که با انقلاب اسلامی آغاز شده و عملاً خواسته و یا ناخواسته به استعماری تن می‌دهند که نه تنها عامل غارت منابع ما بلکه عامل تخریب فرهنگ ما و نابودی هویت ملی خواهد شد و این یعنی گرفتار ذهنیتی شدند که بی‌خانمان است و هیچ معنایی برای خود ندارد تا بتواند با حضور در آن معنا با خود زندگی کند. در این رابطه باز باید به کسانی فکر کرد که معلوم نیست آن‌ها انقلاب را رها کرده‌اند و یا انقلاب، آن‌ها را رها کرده. موفق باشید